

بومی‌سازی در ادبیات امریکایی ترجمه‌شده: راهبردی برای مقاومت در برابر الگوسازی فرهنگی خارجی

مزدک بلوری^۱

دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۳۱

چکیده

بومی‌سازی، چنان‌که ونوتی می‌گوید، شیوه غالب ترجمه در فرهنگ‌های قدرتمندی همچون فرهنگ انگلیسی-امریکایی است. این راهبرد ترجمه‌ای در فرهنگ‌های پرنفوذ دلایل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دارد و در نتیجه اعمال آن آثار فرهنگی کشورهای کوچک‌تر در قالب فرهنگی بومی ریخته می‌شود و متن‌ها به‌شکلی تغییر می‌یابند که «شفاف» و «آشنا» به‌نظر برسند. این مقاله در پی آن است که به معرفی دلایل دیگری برای پدیده بومی‌سازی بپردازد. هدف یافتن انگیزه‌های بومی‌سازی در زمان تصدی دولتی «اصولگرا» در ایران دوران معاصر است. برای این منظور، دستکاری‌های اعمال‌شده از طرف دولت در ترجمه‌های منتشرشده در این دوران را ابزار کار خود قرار می‌دهد تا تصویر روشن‌تری از نوعی بومی‌سازی دولتی و دلایل و انگیزه‌هایش به‌دست آورد. از این‌رو، متن اصلی و متن ترجمه‌شده چهار رمان امریکایی که تحت نظارت این دولت به زبان فارسی ترجمه شده بودند با هم مقایسه شد و موارد تغییر در ترجمه‌ها بررسی شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جهان به‌تصویر کشیده‌شده در این رمان‌ها در اثر نظارت دولت و تحمیل برخی دستکاری‌ها به شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران نزدیک‌تر شده و نوعی بومی‌سازی در آنها صورت گرفته است. از این‌رو، اولاً بومی‌سازی پدیده‌ای منحصر به فرهنگ‌های پرنفوذتر، همچون فرهنگ انگلیسی-امریکایی، نیست و فرهنگ ایرانی نیز برای حفظ ثبات سیاسی و اجتماعی خود و جلوگیری از نفوذ فرهنگ بیگانه از آن بهره

می‌گیرد. ثانیاً بومی‌سازی ممکن است تحت تاثیر نهادهای قدرت و در اثر اعمال برخی سیاست‌ها به راهبردی غالب در ترجمه تبدیل شود.
کلیدواژه‌ها: بومی‌سازی، دستکاری، حمایت، دولت «اصولگرا»، ایدئولوژی.

۱- مقدمه

بومی‌سازی^۱ راهبردی در ترجمه است که با اتخاذ سبکی روان «غرابت متن بیگانه را برای خوانندگان زبان مقصد به حداقل می‌رساند» (شاتلورث^۲ و کاوی^۳، ۱۹۹۷: ۴۴). از خصوصیات این راهبرد ترجمه‌ای «انتخاب محتاطانه متونی که برای ترجمه‌شدن به این روش مناسب‌اند، اتخاذ آگاهانه سبکی روان و طبیعی در زبان مقصد، تطبیق متن مقصد برای سازگارشدن با انواع گفتمان مقصد، افزودن مطالب توضیحی، از میان برداشتن عناصر بومی زبان مبدأ و هماهنگ‌سازی کلی متن مقصد با پیش‌فرض‌ها و اولویت‌های زبان مقصد» است (همان). در ترجمه‌های بومی‌سازی شده از به‌کارگیری «واژه‌های خارجی [...] پرهیز می‌شود» و ساختارهای نحوی نیز «چندان به متن خارجی وفادار^۴ نیستند». از این‌رو، چنین ترجمه‌ای قابل تشخیص^۵، قابل فهم^۶ و آشنا^۷ است، بوی ترجمه نمی‌دهد و طبیعی^۸ به نظر می‌آید و دسترسی آسان به اندیشه‌های حاضر در متن اصلی را برای خواننده فراهم می‌کند (ونوتی^۹، ۱۹۹۵: ۵). ونوتی معتقد است این نوع ترجمه، شیوه غالب ترجمه در فرهنگ‌هایی چون فرهنگ انگلیسی-امریکایی است که «جسورانه تک‌زبانه و نسبت به بیگانه ناپذیرا هستند و به ترجمه‌های روانی خو گرفته‌اند که ناپیدا متن‌های خارجی را با ارزش‌های زبان انگلیسی می‌نگارند و تجربه خودشیفته‌وار بازشناختن فرهنگ خود در دیگری فرهنگی را در اختیار خواننده می‌گذارند» (همان: ۱۵). به نظر ونوتی (۲۰۱۰: ۶۹)، ترجمه در فرهنگ انگلیسی-امریکایی «دست‌کم از قرن هفدهم، در نظریه و عمل، تحت سلطه شیوه بومی‌سازی بوده است». از طرف دیگر، در ترجمه آثار انگلیسی‌زبان به زبان فرهنگ‌های کوچک‌تر، یعنی ترجمه در جهت عکس، «صنعت نشر انگلیسی و امریکایی منافع اقتصادی حاصل از تحمیل موفقیت‌آمیز ارزش‌های فرهنگی انگلیسی-امریکایی بر تعداد زیادی از خوانندگان خارجی را از آن خود کرده است» (همان). این

1. domestication
 2. M. Shuttleworth
 3. M. Cowie
 4. L. Venuti

بدان معناست که فرهنگ انگلیسی-امریکایی در روابطش با سایر فرهنگ‌ها «در خارج [فرهنگی] امپریالیستی و در داخل بیگانه‌هراس» است (همان: ۱۷). عمومیت‌داشتن این راهبرد، علاوه بر این مسائل سیاسی و فرهنگی، دلایل اقتصادی نیز دارد: «روانی [ترجمه] که ویراستاران، ناشران و منتقدان آن را عملی می‌کنند، به تولید ترجمه‌هایی منتهی می‌شود که بسیار واضح و در نتیجه در بازار کتاب قابل مصرف‌اند» (همان: ۱۶).

رویکرد بومی‌سازی، طبق گفتهٔ ونوتی (۱۹۹۵)، به ناپیدایی مترجم منجر می‌شود. در فرهنگ‌هایی که ترجمهٔ بومی‌ساز شیوهٔ معیار ترجمه در آنهاست، ترجمه‌ای خوب محسوب می‌شود که «آن قدر شفاف است که متن، ترجمه‌شده به‌نظر نمی‌آید» (شیپرو^۱، نقل از ونوتی، ۱۹۹۵: ۱). در فرهنگ انگلیسی-امریکایی، متن‌هایی که از آثار فرهنگ‌های کوچک‌تر، عمدتاً مستعمره‌های سابق و کشورهای شرقی، به زبان انگلیسی برگردانده می‌شوند، در صورتی قابل‌قبول‌اند که «نبود هرگونه غرابت زبانی یا سبکی باعث شود متن شفاف به‌نظر آید» (ونوتی، ۱۹۹۵: ۱). ترجمهٔ خوب به «شیشه‌ای^۲ می‌ماند و «انسان فقط وقتی متوجه ترجمه‌بودنش می‌شود که نقص‌های کوچکی، همچون خراش‌ها و حباب‌ها، در آن باشد. در وضع ایده‌آل، نباید هیچ نقصی [در ترجمه] باشد. هرگز نباید جلب توجه کند» (شیپرو، نقل از ونوتی، ۱۹۹۵: ۱). همین ناپیدایی مترجم است که «بومی‌سازی موزیانهٔ متون خارجی را اجرا و پنهان می‌کند» (ونوتی، ۱۹۹۵: ۱۷). ناپیدایی مترجم «با محدودکردن تعداد متون خارجی ترجمه‌شده و سپردن آنها به بازبینی‌های بومی‌ساز، سرمایهٔ فرهنگی ارزش‌های خارجی را در زبان انگلیسی می‌کاهد» و نبود تعادل تجاری بین فرهنگ‌های غالب و فرهنگ‌های کوچک‌تر را از دیده‌ها پنهان نگاه می‌دارد (همان).

از این‌رو، ونوتی (۲۰۱۰) از «خشونت» ترجمه سخن می‌گوید و آن را در اهداف و فعالیت‌های ترجمه جست‌وجو می‌کند: «بازسازی متن خارجی برطبق ارزش‌ها، اعتقادات و تصویرهایی که از پیش در زبان مقصد وجود دارد» و «تعیین‌کنندهٔ تولید، توزیع و دریافت متن‌هاست» (ونوتی، ۲۰۱۰: ۶۸). ترجمهٔ بومی‌ساز شامل «جایگزینی خشونت‌آمیز تفاوت زبانی و فرهنگی متن خارجی با متنی است که برای خوانندهٔ زبان مقصد قابل‌درک» و با «معیارها و تابوها، آداب و ایدئولوژی‌های» فرهنگ مقصد همگون شده باشد (همان). در واقع، بومی‌سازی با

نگاهی قوم‌مدارانه «متن خارجی را به‌سوی ارزش‌های فرهنگی زبان مقصد» می‌کشانند (ونوتی، ۲۰۱۰: ۶۹). چنین ترجمه‌ای می‌کوشد «دیگری فرهنگی را به‌مثابه چیزی همانند، قابل‌تشخیص و حتی آشنا» وارد فرهنگ مقصد کند و فرهنگ خارجی را برای «برنامه‌های داخلی، اعم از فرهنگی، اقتصادی و سیاسی» به‌تصرف خود درآورد (ونوتی، ۲۰۱۰: ۶۸).

ونوتی (۲۰۱۰: ۶۸) ترجمه را عملی «فرهنگی و سیاسی» قلمداد می‌کند که قدرت بسیاری در «ساختن هویت‌های ملی برای فرهنگ‌های خارجی» دارد و می‌تواند در «برخوردهای نژادی و قومی و رویارویی‌های ژئوپلیتیک» ایفای نقش کند. ترجمه، از نگاه او، وسیله‌ای است در دست قدرت‌های برتر سیاسی و فرهنگی تا، با اتخاذ راهبرد بومی‌سازی و ارائه تصویر بومی و آشنا از فرهنگ‌های خارجی، از نفوذ این فرهنگ‌ها به فرهنگ خودی جلوگیری کنند و در عین حال با تحمیل ارزش‌های فرهنگی خود نقشه‌های امپریالیستی‌شان را، در مواجهه با فرهنگ‌های دیگر، به‌اجرا درآورند. چنین نگاهی به بومی‌سازی، آن را پدیده‌ای یک‌سویه نشان می‌دهد که گویی فقط در ترجمه آثار فرهنگی کشورهای ضعیف‌تر به زبان کشورهای قدرتمندتر، به‌دلیل خودشیفتگی فرهنگی، بیگانه‌ستیزی و قدرت سیاسی و اقتصادی فرهنگ‌های غالب به‌اجرا درمی‌آید. اما آیا فرهنگ‌های کم‌نفوذتر نیز، در ترجمه آثار انگلیسی‌زبان، دست به بومی‌سازی می‌زنند؟ آیا این فرهنگ‌ها نیز متن انگلیسی را بومی‌سازی می‌کنند تا فرهنگ خودشان در ترجمه این آثار دیده شود؟ آیا دلایل بومی‌سازی در فرهنگ‌های کم‌نفوذتر نیز همان دلایلی است که ونوتی برای بومی‌سازی در فرهنگ‌های غالب برمی‌شمرد؟ ازطرفی، اگر بپذیریم که ترجمه عملی فرهنگی و سیاسی است، قطعاً نهادهای فرهنگی و سیاسی هر جامعه از آن برای پیشبرد اهداف و مقاصد خود استفاده می‌کنند و تصمیم‌گیری در مورد ترجمه به بخشی از برنامه‌ریزی‌های فرهنگی چنین نهادهایی تبدیل می‌شود. آیا دولت‌ها و نهادهای تابع آنها در تحمیل بومی‌سازی در ترجمه، به‌منظور جلوگیری از نفوذ فرهنگ‌های بیگانه به فرهنگ بومی، نقش دارند؟

مقاله حاضر در پی آن است که به تشریح نقش نهادهای سیاسی در به‌وجودآمدن پدیده‌ای به نام «بومی‌سازی» در ترجمه آثار ادبی خارجی به زبان فارسی بپردازد. وقتی این نهادها بر مبنای سیاست‌ها و ایدئولوژی خود تغییرات و دستکاری‌هایی را به مترجمان و ناشران تحمیل می‌کنند و در نتیجه این دستکاری‌ها برخی جنبه‌های فرهنگ خارجی از متن ترجمه‌شده حذف

یا با عناصر دیگری جایگزین می‌شود، قاعدتاً نوعی بومی‌سازی در ترجمه رخ می‌دهد که انگیزه‌هایش با دلایل بومی‌سازی موردنظر ونوتی تفاوت دارد. برای این منظور، تعدادی از متن‌های ادبی امریکایی که تحت نظارت و کنترل دولت «اصولگرا» (۱۳۹۲-۱۳۸۴) ترجمه و منتشر شده‌اند بررسی شد تا تأثیر دستکاری‌های تحمیل‌شده بر نسخه فارسی این آثار و در نتیجه نزدیک کردن احتمالی فرهنگ امریکایی به فرهنگ ایرانی-اسلامی موردنظر دولت تحلیل شود.

۲- روش پژوهش

در این پژوهش ترجمه چهار رمان امریکایی که بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ (یعنی دوره زمامداری دولت «اصولگرا») به زبان فارسی ترجمه شده بودند مورد بررسی قرار گرفت. این رمان‌ها از یک فهرست اولیه که شامل ۲۰۰ رمان برتر قرن بیستم بود (نک. فرحزاد و بلوری، ۲۰۱۴) انتخاب شدند. از بین رمان‌های فهرست مذکور ۱۰۵ رمان به زبان فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده بود. تاریخ چاپ اول این رمان‌ها استخراج شد و فهرستی از رمان‌های این مجموعه که برای اولین بار در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ در ایران مجوز نشر گرفته و منتشر شده بود تهیه شد. سپس چهار رمان به صورت تصادفی از بین این رمان‌ها انتخاب شد و در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. بومی‌سازی از نگاه ونوتی، همواره مستلزم ایجاد نوعی تغییر در متن اصلی، برای تطبیق‌دادن آن با ارزش‌های جامعه مقصد است، نوعی «جایگزین‌کردن تفاوت زبانی و فرهنگی متن بیگانه» با متنی که برای خواننده زبان مقصد آشنا تر و قابل‌درک‌تر است (ونوتی، ۱۹۹۵: ۱۸). از این‌رو، موارد دستکاری^۱ متن این چهار رمان، از طریق مقایسه متن‌های مبدأ و مقصد جست‌وجو شد تا معلوم شود آیا تغییرات روی‌داده در ترجمه فارسی رمان‌ها را می‌توان بومی‌سازی نامید و در صورتی که چنین است، دلایل بومی‌سازی در ترجمه رمان‌های امریکایی به زبان فارسی چیست. مشخصات چهار رمان انتخاب‌شده در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱- رمان‌های بررسی‌شده در این پژوهش

عنوان رمان	نام نویسنده	سال نشر اثر	سال انتشار ترجمه فارسی
قلب شکارچی تنها	کارسون مک‌کالرز	۱۹۴۰	۱۳۸۵
درختی در بروکلین	بتی اسمیت	۱۹۴۷	۱۳۹۱
فرار کن، خرگوش	جان آپدایک	۱۹۶۰	۱۳۸۷
اتحادیه ابلهان	جان کندی تول	۱۹۸۰	۱۳۹۱

در صورتی که دستکاری‌های اعمال‌شده در ترجمه فارسی این رمان‌ها منجر به پدید آمدن متن‌هایی شده باشد که تصویری بومی‌سازی‌شده از فرهنگ امریکایی به خوانندگان فارسی‌زبان ارائه دهند، تصویری که به فرهنگ ایرانی نزدیک‌تر شده و با ایدئولوژی حاکم تطبیق یافته باشد، آن‌گاه می‌توان گفت که بومی‌سازی پدیده‌ای منحصر به فرهنگ‌هایی چون فرهنگ انگلیسی- امریکایی نیست و فرهنگ‌های دیگر نیز دست به بومی‌سازی آثار فرهنگی کشورهای قدرتمندتر می‌زنند. این مسئله وقتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم نشر کتاب در ایران تحت نظارت دولتی یکپارچه^۱ و پس از اخذ مجوز پیش از انتشار از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام می‌گیرد و یکی از دغدغه‌های همیشگی دولت نفوذ فرهنگ غرب در لایه‌های جامعه و دور شدن مردم از فرهنگ بومی ایرانی و اسلامی بوده است.

۳- چارچوب نظری و پیشینه

ادبیات همواره با محیط خود تعامل نزدیکی دارد (هرمانز^۲، ۱۹۹۹: ۱۰۵). هر نظام ادبی، چنانکه اونزهر^۳ (۱۹۹۰: ۲۳) می‌گوید، 'مطیع' فرهنگ است و با سایر مؤلفه‌های آن فرهنگ همچون «زبان، جامعه، اقتصاد، سیاست، ایدئولوژی و امثال اینها» مطابقت دارد. از این‌رو، لازم است هر ترجمه‌ای تاحدی دستکاری شود تا با محیط فرهنگی و اجتماعی مقصد سازگاری پیدا کند (هرمانز، ۱۹۸۵). ترجمه، نوعی دستکاری و بازنویسی متن مبدأ، تحت «محدودیت‌های

1. undifferentiated
2. T. Hermans
3. I. Even-Zohar

اجتماعی-فرهنگی، ایدئولوژیک و ادبی» است (شاتلورث و کاوی، ۱۹۹۷: ۱۴۷). عاملی که مطابقت ترجمه و محیط اجتماعی-فرهنگی و ایدئولوژیکی مقصد را کنترل می‌کند، 'حمایت'^۱ نام دارد که می‌تواند به «نوشتن، خواندن و بازنویسی ادبیات کمک کند یا مانع از آن بشود» (لفور^۲، ۱۹۸۵: ۲۲۷). این عامل مراقب است تا ادبیات تولیدشده از راه ترجمه با ایدئولوژی غالب جامعه در تضاد نباشد. ایدئولوژی غالب در هر جامعه «راهِبرد اصلی را که مترجم باید استفاده کند، تعیین می‌کند و از این‌رو راه‌حل‌های مسائل ترجمه‌ای را نیز دیکته می‌کند» (لفور، ۱۹۹۲: ۴۱). وقتی حمایت از نوع یکپارچه باشد، همهٔ عناصرش - یعنی ایدئولوژی، اقتصاد و وجهه - را یک حامی در اختیار دارد و تولیدکنندگان ادبیات نیز باید از ایدئولوژی او حمایت کنند یا دست‌کم در آثارشان چیزی علیه ایدئولوژی حامی ننویسند (لفور: ۱۹۹۲).

در ایران که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر انتشار و توزیع کتاب نظارت دارد و ناشران موظفانند کتاب‌ها را برای اخذ مجوز پیش از انتشار به ادارهٔ کتاب این وزارتخانه بفرستند، حمایت از نوع یکپارچه است و هر سه عنصر حمایت در اختیار یک حامی، یعنی دولت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، است. از این‌رو، فقط کتاب‌هایی موفق به اخذ مجوز می‌شوند که با ایدئولوژی رسمی کشور در تضاد نباشند و فقط چنین کتاب‌هایی هستند که اجازهٔ توزیع می‌یابند و ناشر و مترجم از منافع اقتصادی‌شان بهره‌مند می‌شوند. طبیعتاً کتاب‌هایی که از گردونهٔ نشر خارج می‌شوند، وجههٔ چندانی نیز برای پدیدآوردن‌گان خود به‌ارمغان نمی‌آورند. نویسندگان، مترجمان و ناشران، پیش از فرستادن کتاب به ادارهٔ کتاب، تا حدّ زیادی آن را با ضوابط نشر کتاب تطبیق می‌دهند تا در فرایند اخذ مجوز دچار مشکل نشود. در ادارهٔ کتاب نیز بررسی‌ها کتاب را مورد بررسی قرار می‌دهند و مواردی را که لازم است تغییر یابد، مثلاً از متن فارسی رمان، حذف یا به‌گونه‌ای دیگر در متن مطرح شود، طی نامه‌ای به ناشر اعلام می‌کنند. در این نامه، موارد تغییرات با ذکر شمارهٔ صفحه و شمارهٔ سطر در جدولی درج می‌شود و از ناشر خواسته می‌شود که تغییرات را اعمال کند. کتاب، پس از اعمال تغییرات، مجدداً به ادارهٔ کتاب فرستاده می‌شود تا در صورت صلاحدید مسئولان ذیربط، مجوز پیش از انتشار آن صادر شود.

1. patronage
2. A. Lefevere

این بدان معناست که رمان‌های ترجمه‌شده از فرهنگ انگلیسی-امریکایی، در وهله نخست، نباید حاوی مطالبی باشند که با ایدئولوژی و اخلاق حاکم بر جامعه در تناقض‌اند و در صورت وجود چنین مطالبی باید به‌گونه‌ای دستکاری شوند و تغییر یابند تا با ایدئولوژی حامیان دولتی نشر کتاب همخوانی پیدا کنند یا دست‌کم آن را به‌چالش نکشند. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که در فضای سیاسی و فرهنگی جامعه ایران مسئله 'تهاجم فرهنگی' غرب مطرح است و دولت می‌کوشد از نفوذ الگوهای فرهنگی غرب به کشور جلوگیری کند. آثار ادبی انگلیسی-امریکایی که فرهنگ غرب در آن متجلی می‌شود و از طریق ترجمه به فضای فرهنگی کشور راه پیدا می‌کند، یکی از نگرانی‌های عمده دولت است. از همین‌رو، می‌کوشد با بررسی آثار ادبی ترجمه‌شده از این فرهنگ‌ها مانند فیلتری از نفوذ فرهنگ غرب جلوگیری کند. مخصوصاً در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ که رمان‌های بررسی‌شده در این پژوهش منتشر شده‌اند، دولت اصولگرایی بر سر کار بوده است که بیشترین نگرانی را در مورد تهاجم فرهنگی غرب داشته و سیاست‌های ویژه‌ای را در حوزه نشر کتاب اعمال کرده است.

پژوهش حاضر در پی آن است که ببیند آیا نظارت دولت بر چاپ و نشر ترجمه فارسی رمان‌های امریکایی منجر به ارائه تصویری از این رمان‌ها می‌شود که به فضای بومی و فرهنگی ایران نزدیک‌تر و در نتیجه نوعی بومی‌سازی در ترجمه آنها روی داده باشد؟ آیا دولتی که نگران تهاجم فرهنگی غرب و نفوذ این فرهنگ به جامعه ایرانی است، می‌کوشد که ترجمه ادبیات غرب بیشتر رنگ‌وبوی بومی بگیرد یا دست‌کم با فرهنگ بومی کشور در تناقض نباشد؟

۴- یافته‌ها

همان‌طور که در بالا گفته شد، ترجمه فارسی رمان‌ها با متن انگلیسی‌شان مقایسه و موارد دستکاری و تغییر در رمان‌ها استخراج شد. در این پژوهش، صرفاً این تغییرات و دستکاری‌ها ملاک سنجش قرار گرفت، چه تغییرات را مترجمان یا ناشران، با هدف هماهنگ‌شدن با ضوابط نشر کتاب و اخذ مجوز اعمال کرده باشند، چه اداره کتاب بر آنها تحمیل کرده باشد. مفاهیم دستکاری‌شده در این چهار رمان به نه گروه کلی تقسیم شدند: (۱) توصیف بدن انسان، (۲) روابط و فعالیت‌های جنسی، (۳) روابط زن و مرد، (۴) روسپی‌گری، (۵) برهنگی و پوشش، (۶) رقص، (۷) همجنس‌گرایی، (۸) مشروبات الکلی و (۹) موارد متفرقه (نک. جدول ۲). مقایسه

رمان‌های ترجمه‌شده با متن انگلیسی‌شان نشان داد که این مفاهیم در اکثر موارد به‌کلی از ترجمه فارسی رمان‌ها حذف شده (۸۰ / ۶۱ درصد) و در مواردی نیز جای خود را به مفاهیم متفاوتی داده‌اند (۲۳ / ۲۲ درصد).

جدول ۲- بررسی مقایسه‌ای مفاهیم دستکاری‌شده در ترجمه فارسی رمان‌ها

مفاهیم دستکاری‌شده	واژه‌های نمونه در متن انگلیسی	نمونه‌های ترجمه‌شده به فارسی
بدن انسان	hip, rump, bust, bottom, haunch, pelvis	Δ / اندام / کمر / تنه / دم
	thigh, leg, arm, shoulders, back, belly	Δ / پا / زانو
	genitals, erogenous zones, privates, groin	Δ / پایین‌تنه / عضو / آلات
	breast, knockers, chest, bosom	Δ / بالاتنه / مغز / اندام / یقه جلو لباس
	tanned skin	Δ
روابط و فعالیت‌های جنسی	sexual activity, sleep with, incest, love-making, adultery	Δ / روابط / رابطه / رابطه نزدیک / تماس نزدیک / جنسیت / جسمی / شناخت بدن انسان / کنار کسی خوابیدن / ارتباط / وقت گذراندن با کسی / باکسی بودن / مهرورزی / آشناسدن / مصاحبت / احساسات و عواطف
	intimate activities	Δ
	rape	Δ / جیب کسی را خالی کردن / اغفال کردن / دهن کسی را سرویس کردن
روابط زن و مرد	feller, boyfriend, men friends, lover, mistress, sweetheart, girlfriend	Δ / دوست / خواهان / شوهر / همسر / نامزد / دختر
	embrace, put arms around, hug, lover's arm, holding hands, shaking hands, touching, having an affair, date	Δ
	flirt	مصاحبت کردن
	love	تفاهم‌داشتن

طلاق‌نگرفتن	to get a divorce	
Δ	unfaithfulness, two-timing	
Δ / وداع کردن / دست تکان دادن	kiss, blow a kiss	
کثرت ازدواج	bigamy (for a woman)	
Δ / زنان باحیا / فتنه‌ها / کسی که نباید در خیابان قدم بزند / خانم خانوما / قرتی / کثافت / تن لش / بی‌اخلاق / چشم‌سفید / زنیکه عوضی / آدم معلوم‌الحال	prostitute, street-walker, strumpet, dirty woman	روسپی‌گری
گدایی	prostitution	
Δ / آلونک / خراب‌شده / هرزه‌خانه	cat-house	
Δ	solicit	
Δ / آدم خلاف / قرتی	libertine, pimp, nympho	
Δ / عکس مستهجن / آدم خلاف	pornography, pornographic photograph, pornographer	
Δ	décolleté, nakedness, undressing	
Δ / زیرپوش	corset, brassiere, bra, bathing suit, lingerie, blue jeans, boots, underskirt, underpants, underclothes	
Δ / شلوار / کفش	shorts	
Δ / مهمانی / قدم‌زدن / بافندگی / حرف‌زدن / ورجه‌ورجه‌کردن / نمایش اجراکردن / برنامه / معاشرت / مراقبت کردن	dance	رقص
Δ	dance ball	
نمایش / رقص / آدم خلاف	exotic (exotic dancer, stripper), stripper	
Δ / بکن و بریز / مجلس	waltz, limbo, strip	
Δ / کودک‌نواز / منحرف / اینها / زن منحرف / مرد منحرف / قرتی / الکی خوش / منحرف / ملکه	sodomite, dyke, fairy, effeminate, pederast, queer, queen	همجنس‌گرایی
Δ	Drag (i.e. women's clothes worn by a man)	
لوس‌بازی	Sissy	

Δ نوشیدنی / قوطی / بطری / لیوان / چیز / نوشابه / جنس / نوشیدنی زبان‌آور / شیر	drink, wine, whisky, beer, booze, martini, cocktail, vodka, gin, ale, liquor, brandy, milk punch, champagne	مشروبات الکلی
گیج / عوضی	drunk, intoxicated	
کیک مربایی	wine cake	
بی‌وجدان / صاب‌مرده / پدرسوخته / فرزند	Bastard	متفرقه
Δ	Slapjack	
Δ	illegitimate children, exhibitionism, playing doctor	
Δ	mascara, plucking eyebrows, women swimming, swimming pool descriptions	
Δ / مسیحی	Jew	
Δ حذف مفاهیم		

دستکاری‌های اعمال‌شده در ترجمه فارسی این چهار رمان منجر به حذف یا جایگزینی همه مفاهیم نه‌گانه بالا و در نتیجه خلق جهان داستانی متفاوت و ارائه تصویری متفاوت از فرهنگ و جوامع غربی شده است. جهان داستانی که همه مصداق‌های فرهنگ غرب که با ایدئولوژی و اخلاق ایرانی-اسلامی در تضاد بوده‌اند از آن پاک شده یا جای خود را به مفاهیم قابل‌قبول‌تری داده‌اند. در این دنیای داستانی که مثلاً واژه‌های بیانگر مشروبات الکلی، قمار و رقص از آن حذف یا با واژه‌های دیگری جایگزین شده است، دیگر مشروب یا مجلس رقص یا قمارخانه‌ای در کار نیست و در نتیجه، شخصیت‌های رمان مشروب نمی‌نوشند، نمی‌رقصند و قمار نمی‌کنند. زن‌ها و مردان روابطی با هم برقرار نمی‌کنند، با هم دست نمی‌دهند و یکدیگر را نمی‌بوسند و در آغوش نمی‌کشند. آنها فقط با همسر، شوهر یا نامزد خود روابط نزدیک دارند (که آن هم توصیف نمی‌شود و گویی در خفا و دور از چشم همه صورت می‌گیرد) و خبری از معشوقه و فاسق و دوست‌پسر/ دختر نیست. در واقع، همه روابط نامشروع کاراکترها به روابط مشروع (مثل روابط تاهل یا روابط منتهی به تاهل) تغییر شکل می‌یابد. توصیف بدن انسان، مخصوصاً بدن زن، از داستان‌ها حذف می‌شود. برخلاف آنچه در نسخه انگلیسی رمان‌ها آمده است، زن‌ها در

نسخه فارسی هرگز برهنه نمی‌شوند، لباس‌های باز نمی‌پوشند، آرایش نمی‌کنند و لباس‌شان توصیف نمی‌شود. روابط و فعالیت‌های جنسی تابو محسوب می‌شود و هیچ حرفی از آن به میان نمی‌آید. روسپی‌گری و پورنوگرافی و روسپی‌خانه و بار و میکده و سالن رقص در فضای داستان وجود ندارد و صحبتی از همجنس‌گرایی، کودکان نامشروع و خیانت زن و شوهر در میان نیست. به‌نظر می‌رسد کوشش شده است فضای کلیِ رمان‌ها با فضای بومیِ حاکم بر جامعه ایران هماهنگی پیدا کند. هدف، ایرانی یا اسلامی کردن ادبیات یا تصویرِ جوامع غربی نیست، بلکه جلوگیری از نفوذِ مصداق‌ها و جلوه‌هایی از فرهنگ غرب است که می‌تواند به الگوسازی فرهنگی نامناسب بینجامد. از این گذشته، فرهنگ غرب، در نتیجه تغییرات اعمال شده در ترجمه فارسی رمان‌ها، قابل‌تحمل‌تر و برای ورود به جامعه ایرانی قابل‌قبول‌تر شده است. البته این بدان معنا نیست که دستکاری‌های اعمال شده در ترجمه این رمان‌ها منجر به خلق جهانی می‌شود که با واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی ایران به‌طور صددرصد تطبیق دارد. مفاهیم و فعالیت‌های دستکاری شده، عمدتاً، موضوعاتی هستند که با ایدئولوژی حاکم در تناقض‌اند و در قانون ایران به عنوان جرم تعریف شده‌اند و نهادهای مختلفی برای مقابله با آنها در سطح جامعه فعالیت دارند. وقتی فعالیت‌هایی در جامعه‌ای جرم محسوب شوند، طبیعتاً ورود آنها از طریق ادبیات ترجمه شده الگوی فرهنگی نامناسبی پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد. در واقع، مفاهیم بسیاری دستکاری شده‌اند تا دنیای به‌تصویر کشیده شده در نسخه فارسی رمان‌ها به جهان آرمانی ایرانی-اسلامی نزدیک‌تر شود. به عبارت دیگر، دستکاری‌های اعمال شده در این رمان‌ها فضای فرهنگی و اجتماعی غرب را به روایتی رسمی از فرهنگ ایرانی نزدیک‌تر کرده است. چنین تغییراتی منجر به نوعی از بومی‌سازی می‌شود که در اینجا بومی‌سازی متأثر از نهادهای قدرت نامیده شد. این نوع بومی‌سازی عبارت است از اعمال دستکاری‌های ایدئولوژیک بر عناصر فرهنگی خارجی در متن مبدأ، با هدف نزدیک کردن آنها به ارزش‌های فرهنگی جامعه مقصد و به حداقل رساندن تاثیر و نفوذ ارزش‌های فرهنگی خارجی به‌منظور حفظ کردن و مصون نگاه داشتن فرهنگ بومی کشور.

۵- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که نهادهای فرهنگی ناظر بر چاپ و نشر کتاب در دوره مورد مطالعه در این پژوهش از ورود مصداق‌های فرهنگ امریکایی از طریق ترجمه ادبیات این کشور جلوگیری کرده‌اند و مفاهیم وارداتی فرهنگ غرب را که با فرهنگ بومی ایران همخوانی نداشته‌اند یا به کلی از ترجمه‌ها حذف کرده‌اند یا با مفاهیم کاملاً متفاوتی جایگزین کرده‌اند. این نشان می‌دهد که بومی‌سازی فقط منحصر به ترجمه آثار فرهنگ‌های کم‌نفوذتر به فرهنگ‌های پرنفوذ، همچون فرهنگ انگلیسی-امریکایی، نیست و دست کم برخی از فرهنگ‌های کم‌نفوذتر دنیا نیز در ترجمه آثار انگلیسی‌زبان دست به بومی‌سازی می‌زنند. بومی‌سازی در این فرهنگ‌ها نیز ابعاد سیاسی و فرهنگی دارد و طی این فرایند تلاش می‌شود که از ورود ارزش‌های بیگانه به فرهنگ خودی جلوگیری شود و الگوی فرهنگی جامعه مقصد در ترجمه آثار خارجی نفوذ کند، با این تفاوت که در اینجا بومی‌سازی نتیجه سیاست‌هایی است که نهادهای قدرت بر ترجمه‌های منتشرشده اعمال می‌کنند. این یعنی چنین نهادهایی اجازه نمی‌دهند آنچه از طریق ترجمه رمان‌های خارجی به فرهنگ بومی وارد می‌شود، با ارزش‌های فرهنگ بومی در تضاد باشد. از این رو، به نظر می‌رسد بومی‌سازی، در اینجا، در مسیر حفظ ثبات سیاسی-اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی جامعه مقصد، ممانعت از الگوسازی فرهنگی خارجی و جلوگیری از تهاجم فرهنگی کشورهای پرنفوذ پیش می‌رود. در واقع، هدف، مقابله با آن چیزی است که ونوتی (۱۹۹۵: ۱۵) «تحمیل موفقیت‌آمیز ارزش‌های فرهنگی انگلیسی-امریکایی» بر خوانندگان فرهنگ‌های دیگر می‌نامد.

به نظر می‌رسد آنچه ونوتی (۱۹۹۵: ۱۹-۱۸) درباره فرهنگ انگلیسی-امریکایی می‌گوید، دست کم در مورد فرهنگ ایرانی نیز صدق می‌کند- این فرهنگ نیز به همان سان 'بیگانه‌هراس' و نسبت به فرهنگ خارجی ناپذیرا است. در اینجا نیز رمان‌های امریکایی، به‌شبهه‌ای ناپیدا، با ارزش‌های فرهنگی ایرانی و اسلامی بازنویسی می‌شوند. ترجمه ادبیات امریکایی در ایران نیز نوعی «تصرف فرهنگ بیگانه برای اهداف بومی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی» است. نهادهای فرهنگی و سیاسی، علاوه بر اینکه از طریق ترجمه در جامعه مقصد، ادبیات تولید می‌کنند، با ارائه تصویری بومی‌سازی‌شده از ادبیات امریکایی، جامعه آمریکا را نیز شبیه به جامعه بومی ایران نشان می‌دهند و به‌طور ناپیدا و پنهانی این ایده را به خواننده القا

می‌کنند که جوامع دیگر نیز چندان با جامعه بومی در ایران تفاوت ندارند و بسیاری از ارزش‌هایی که ما در فرهنگ خودی به آنها پایبند هستیم برای فرهنگ‌های دیگر نیز قابل احترام است. از این‌رو، ترجمه‌ها فضایی قابل‌تشخیص و آشنا را پیش روی خواننده قرار می‌دهند و تجربه «بازشناختن فرهنگ خود در دیگری فرهنگی را در اختیار خواننده می‌گذارند» (همان: ۱۵). در واقع، همه نظام‌هایی که دغدغه فرهنگی دارند، به صدور فرهنگ خودی به خارج و جلوگیری از ورود فرهنگ بیگانه به فرهنگ خودی علاقه‌مندند. فرهنگ ایرانی نیز، به همان اندازه فرهنگ انگلیسی-آمریکایی، نگران نفوذ فرهنگ‌های بیگانه به داخل و ایجاد تغییر در فرهنگ بومی کشور است. از این‌رو، با دستکاری متن‌های ترجمه‌شده تا حد امکان از ورود فرهنگ غرب به کشور جلوگیری می‌کند.

با اینکه بومی‌سازی در هر دو فرهنگ آمریکایی و ایرانی می‌کوشد تا از نفوذ فرهنگ بیگانه به فرهنگ خودی جلوگیری کند، به‌نظر می‌رسد دلایل متفاوتی در این دو فرهنگ برای این پدیده وجود داشته باشد. بومی‌سازی در آمریکا، همان‌طور که ونوتی می‌گوید، به‌دلیل خودشیفتگی فرهنگی و برتردانستن فرهنگ خودی نسبت به فرهنگ‌های کوچک‌تر انجام می‌شود و در نتیجه آن آثار فرهنگی این کشورهای کوچک‌تر در قالب فرهنگی کشور مقصد ریخته می‌شود. علاوه بر این، دلایل اقتصادی نیز دارد، یعنی کتاب‌هایی که فرایند بومی‌سازی در آنها صورت نگرفته است، چندان در بازار کتاب آمریکا موفق نیستند، زیرا خوانندگان آمریکایی به کتاب‌هایی خو گرفته‌اند که برای‌شان آشنا باشند و هیچ‌گونه غرابت فرهنگی و زبانی در آنها نباشد. از این‌رو، بومی‌سازی به‌طور طبیعی برای پاسخ‌دادن به انتظارات خوانندگان و بازار کتاب و برآورده کردن نیازهای فرهنگی جامعه مقصد صورت می‌پذیرد. اما به‌نظر می‌رسد که بومی‌سازی در ایران، دست‌کم در دوره زمام‌داری دولت «اصولگرا»، دلایل متفاوتی داشته است. چنان‌که در بالا نیز اشاره شد، این راهبرد ترجمه‌ای در ایران برای محافظت از فرهنگ بومی و ارزش‌های فرهنگی کشور در برابر 'تهاجم فرهنگی' غرب و ممانعت از الگوسازی فرهنگی خارجی اعمال شده است. در واقع، بومی‌سازی ادبیات غربی راهبردی تدافعی و بخشی از پروژه فرهنگی دولت «اصولگرا» برای مقابله با نفوذ فرهنگ‌های غربی به کشور بوده است و پدیده‌های دولتی محسوب می‌شود. این شکل از بومی‌سازی، یعنی بومی‌سازی حاصل از سیاست‌های دولت‌ها، در نظریه ونوتی پیش‌بینی نشده است. از این‌رو، می‌توان گفت که بومی‌سازی در برخی

فرهنگ‌ها ممکن است دلایلی غیر از آنچه ونوتی برای بومی‌سازی در ترجمه برشمرده است داشته باشد. با این حال، دلایل بومی‌سازی هرچه باشد، نتیجه کار یکی است: بسیاری از جنبه‌ها و آثار فرهنگ خارجی از متن ترجمه‌شده پاک می‌شود و در نتیجه دیگری فرهنگی جای خود را به عناصر فرهنگ بومی کشور مقصد می‌دهد.

نظارت دولتی با تأثیرگذاری در دستکاری متن‌های خارجی، در عین حال، تصویری دیگرگون از جوامع غربی به خواننده ایرانی ارائه می‌کند که اتفاقاً با ایدئولوژی حامیان دولتی سنخیت بیشتری دارد. این بدان معناست که جامعه غربی در ترجمه‌های فارسی رمان‌های خارجی جامعه‌ای با اخلاق تر و از نگاه ایدئولوژی حاکم جامعه‌ای بهتر است که گویی به اکثر ارزش‌های ایرانی-اسلامی پایبندی دارد. در اینجا دوگانگی جالبی پیش می‌آید: در ایران که همواره سخن از انحطاط اخلاقی غرب در میان بوده است، رمان‌های غربی ترجمه‌شده به زبان فارسی هیچ نشانی از این انحطاط اخلاقی در خود ندارند و برعکس، جامعه‌ای را به‌نمایش می‌گذارند که به اصول اخلاقی بسیار پایبند است و هیچ کار غیراخلاقی در آن صورت نمی‌گیرد. در واقع، نظام سیاسی و عقیدتی با تمام تلاش‌هایی که برای منحن و غیرموجه‌نشان دادن فرهنگ غرب می‌کند، خود به ارائه تصویری موجه از این فرهنگ کمک می‌کند.

منابع

آپدایک، جان (۱۳۸۷). فرار کن خرگوش. ترجمه سهیل سمی، تهران: ققنوس.

اسمیت، بتی (۱۳۹۱). درختی در بروکلین می‌روید. ترجمه کیومرث پارسای، تهران: هنرکده.

تول، جان (۱۳۹۱). اتحادیه ابلهان. ترجمه پیمان خاکسار، تهران: به‌نگار.

مک‌کالرز، کارسون (۱۳۸۵). قلب شکارچی تنها. ترجمه شهرزاد لولاچی، تهران: افق.

Even-Zohar, I. (1990). "Polysystem Studies." *Poetics Today*, Vol 11 (1) pp 9-26.

Farahzad, F. & Bolouri, M. (2014) "Non-selection of Foreign Literary Works in the System of Translated Literature in Iran" *Translation Studies*, Vol 12, No. 46. pp. 93-108.

Hermans, T. (1985). "Introduction: Translation Studies and a New Paradigm". In T. Herman (Ed.), *The Manipulation of Literature:*

- Studies in Literary Translation*. London & Sydney: Croom Helm. 7-15.
- Hermans, T. (1999). *Translation in Systems: Descriptive and Systematic Approaches Explained*. Manchester: St Jerome.
- Lefevere, A. (1985). "Why Waste Our Time on Rewrites: The Trouble with Interpretation and the Role of Rewriting in an Alternative Paradigm". In T. Hermans (ed.), *The Manipulation of Literature: Studies in Literary Translation*. London & Sydney: Croom Helm. 215-243.
- Lefevere, A. (1992). *Translation, Rewriting and the Manipulation of Literary Fame*. London & New York: Routledge.
- Shuttleworth, M. & M. Cowie (1997). *Dictionary of Translation Studies*. Manchester: St Jerome.
- Venuti, L. (1995). *The Translator's Invisibility: a History of Translation*. London and New York: Routledge.
- Venuti, L. (2010). "Translation as Cultural Politics: Régimes of Domestication in English." In M. Baker (ed.), *Critical Readings in Translation Studies*. London and New York: Routledge. 65-79.